



آموزش گرامر کاربردی زبان انگلیسی

مدرسز صبیحه سلطانر

www.hamidehsoltani.ir





آموزش گرامر کاربردی زبان انگلیسی

اینجا قرار است گرامر کاربردی زبان انگلیسی
را
بایکدیگر مرور کنیم و یاد بگیریم.

www.hamidehsoltani.ir



گرامر زبان انگلیسی. اسکلت اصلی یادگیری زبان است!

نیاز به یادگیری گرامر زبان انگلیسی در افرادی که اهداف مختلفی از یادگیری زبان را دنبال می‌نمایند، متفاوت است.

به طور مثال فردی که قرار است در یک دانشگاه خارجی تحصیل کند نسبت به فردی که انگلیسی را فقط در سفرهای تفریحی استفاده می‌کند

نیاز بیشتری به یادگیری گرامر انگلیسی دارد.

گرامر زبان انگلیسی. اسکلت اصلی یادگیری زبان است!

در هر دو صورت افراد باید در موقعیت‌های مختلف، چه موقعیت‌های روزمره و

چه فضاهای رسمی جملات را با ساختار صحیح تولید نمایند و

با شناخت ساختارهای گرامری پیچیده بتوانند معنی اصلی پیام را تحلیل و درک نمایند.

گرامر زبان انگلیسی. اسکلت اصلی یادگیری زبان است!

اگر زبان انگلیسی را یک ساختمان در نظر بگیریم،
گرامر انگلیسی اسکلت اصلی این ساختمان محسوب می‌شود.
بدون وجود گرامر زبان انگلیسی، سازه‌ها در کنار هم قرار نمی‌گیرند و به سادگی از هم می‌پاشند.
یکی از مهم‌ترین قسمت‌های یادگیری هر زبانی دستور زبان یا گرامر آن زبان است.
این در حالیست که اکثریت افراد تصور می‌کنند که گرامر زبان انگلیسی کم اهمیت‌ترین
قسمت این زبان است

گرامر زبان انگلیسی. اسکلت اصلی یادگیری زبان است!

و بدون یادگیری گرامر انگلیسی هم می‌توان یک زبان را به‌طور کامل آموخت.
این نگاه کاملاً اشتباه است.

در دنیای واقعی موقع صحبت کردن، سفارش یک غذا یا پاسخ دادن به یک تماس تلفنی،
قطعاً انسان‌ها مایل نیستند با کسی تعامل کنند
که جملات اشتباه و بعضاً خنده‌دار تولید می‌کند.

در شبکه‌های اجتماعی نیز بیشتر افراد تمایل ندارند با کسی تعامل کنند که از گرامر ضعیف
استفاده می‌کند.

تعریف جمله

جمله در زبان انگلیسی به یک فرمول نوشته می شود آن هم به فرمول زیر:

قید زمان+قید مکان+مفعول+فعل+فاعل=جمله

S=Subject+Verb+object+Adverb

تعریف فاعل: انجام دهنده ی کار را فاعل می گویند که فاعل می تواند به صورت ضمیر بکار رود،

مثل علی آمد، که می توانیم بنویسیم او آمد. او ضمیر فاعلی است.

ضمایر فاعلی عبارتند از:

تعریف فاعل:

انجام دهنده ی کار را فاعل می گویند که فاعل می تواند به صورت ضمیر بکار رود،
مثل علی آمد،
که می توانیم بنویسیم او آمد. او ضمیر فاعلی است.

ضمایر فاعلی عبارتند از:

مفرد		جمع	
I	من	We	ما
You	تو	You	شما
He	او (مذکر)	They	آنها
She	او (مونث)		
It	آن		

تعریف فعل:

کاری را که فاعل انجام می‌دهد.
برای تبدیل فعل به مصدر در زبان فارسی (ن) در آخر فعل به کار می‌رود.
معادل با (ن) در فارسی در انگلیسی to به کار می‌رود.

To see ⇒ I see , You see , They see

قید تکرار، مقدار یا تعداد دفعاتی که فعل انجام شده را بیان می‌کند.

مانند:

او معمولاً شبها در خانه با دقت روزنامه می‌خواند.
من همیشه ساعت ۶ صبح بیدار می‌شوم.
آنها گاهی اوقات به اینجا می‌آیند.
شما به ندرت کتاب می‌خوانید.

در زبان انگلیسی، قید تکرار بعد از to be و فعل کمکی و قبل از فعل اصلی قرار می‌گیرد.

قید زمان + قید مکان + قید حالت + مفعول + فعل اصلی + قید تکرار + فعل کمکی + فاعل

always	همیشه
usually	معمولا
often	اغلب-خیلی وقتها
sometimes	گاهی اوقات-بعضی اوقات
occasionally	گاهگاه
rarely	به ندرت
never	هیچوقت-هرگز

نکته: never جمله را منفی می کند و دیگر نیازی به not نیست.

مانند:

من هرگز جمعه ها سرکار نمی روم.

I **never go** to work on Fridays.

به مثالهای اسلاید بعد توجه شود.

نکته: اگر در جمله هم فعل کمکی وجود داشته باشد و هم To be، قید تکرار پس از اولین فعل کمکی می آید.

I always wake up at 6 A.m.	من همیشه ساعت ۶ صبح بیدار می شوم.
They sometimes come here.	آنها گاهی اوقات به اینجا می آیند.
You rarely read book.	شما به ندرت کتاب می خوانید.
Does he usually buy a new car every month?	او معمولا هر ماه یک ماشین جدید می خرد؟
We never arrive home late.	ما هیچوقت دیر به خانه نمی رسیم.
She always help old people.	او همیشه به افراد مسن (پیر) کمک می کند.
He occasionally watches football match.	او گهگاه مسابقه فوتبال تماشا می کند.
You usually speak loudly.	شما معمولا با صدای بلند صحبت می کنید.
Do they rarely drink tea?	آیا آنها به ندرت چای می نوشند؟
Do they always put their car in parking?	آیا آنها همیشه ماشینشان را در پارکینگ می گذارند؟
Mr. <u>Smith</u> never drives.	آقای اسمیت هرگز رانندگی نمی کند.
We often listen to radio in the mornings.	ما خیلی وقتها صبح ها رادیو گوش می کنیم.
She must occasionally rest at home.	او باید گهگاهی در خانه استراحت کند.
I occasionally see my friends in the bus.	من گهگاهی دوستانم را در اتوبوس می بینم.
Children sometimes ask hard questions.	بعضی وقتها بچه ها سوالات سخت می پرسند.
Does it usually work correctly?	آیا این معمولا درست کار می کند؟

Sara often call me on weekends.	سارا اغلب آخر هفته ها با من تماس می گیرد.
He is always happy.	او همیشه خوشحال است.
I am often in Tehran on summer.	من اغلب ، تابستان در تهران هستم.
Policemen are sometimes awake at nights.	ماموران پلیس بعضی وقتها شب بیدار هستند.
You are occasionally angry in classroom.	شما گاهگاهی در کلاس عصبانی هستید.
We can always trust him.	شما همیشه می توانید به او اعتماد کنید.
Can I sometimes go to her house?	من می توانم بعضی وقتها به خانه او بروم؟
They may never go there.	آنها شاید هیچوقت به آنجا نروند.
Employees must always be at work at 8 a.m.	کارمندان باید همیشه ۸ صبح سر کار باشند.

تمرین

جملات دو اسلاید بعد فارسی را به انگلیسی و جملات انگلیسی را به فارسی بنویسید.

He usually read book in library.	
Do they always come here at 5?	
David often fixes his car on Fridays.	
Children always see carefully.	
They occasionally call me.	
We sometimes send letter.	
I never sell my house.	
May you sometimes clean the room?	
They must always help him.	
We may occasionally watch sport match.	
She always is happy at work.	

	او همیشه به درستی به سوالات من جواب می‌دهد.
	آیا او معمولا انگلیسی تدریس می‌کند؟
	آنها اغلب ساعت ۸ شب شام می‌خورند.
	سارا به ندرت کلمه عبورش را تغییر می‌دهد.
	او بعضی وقت ها بچه ها را به مدرسه می‌برد.
	آیا تام گهگاهی رانندگی می‌کند؟
	او هیچوقت با صدای بلند صحبت نمی‌کند.
	ما بعضی وقت ها شب بیدار هستیم.
	آیا می‌توانی گهگاهی به اینجا بیایی؟
	او نباید هیچوقت به تنهایی زندگی کند.
	تو معمولا آخر هفته ها سر کار هستی.

صفت ملکی:

صفاتى هستند كه همراه اسم مى آیند و بدون اسم معنى ندارد و مالكيت را مى رسانند.

در زبان فارسى صفت بعد از اسم مى آید ولی در زبان انگلیسى اسم بعد از صفت مى آید.

خواص صفت در انگلیسی:

(۱) قبل از اسم می آیند.

(۲) اسم را محدود می کنند

(۳) با اسم بعد از خودش هیچ موافقتی ندارد به جز صفت‌های **this/that** که بسته به اسم بعد جمع یا مفرد خواهند شد:

This \Rightarrow These

This book \Rightarrow These books

That \Rightarrow Those

That car \Rightarrow Those cars

مفعول: مفعول کسی یا چیزی است که فاعل بر روی آن کار را انجام می دهد.
مثال:

Hassan saw Ali حسن علی را دید.

Hassan saw him حسن او را دید.

اسامی قابل شمارش و غیر قابل شمارش در انگلیسی

طبقه‌بندی‌های متعددی برای اسامی در زبان انگلیسی وجود دارد که یکی از این طبقه‌بندی‌ها

اسامی قابل شمارش (Countable Nouns) و اسامی غیر قابل شمارش (Uncountable Nouns یا Mass Nouns) می‌باشد.

اسامی قابل شمارش (Countable Nouns)

به زبانی ساده اسامی قابل شمارش در زبان انگلیسی اسم هایی هستند که می توان آنها را شمرد.

این نوع از اسامی هم شکل مفرد (Singular Form) دارند و هم شکل جمع (Plural Form).

به مثالهای زیر در خصوص اسامی قابل شمارش توجه کنید:

I have **a** car.

من یک ماشین دارم.

She has **three** books.

او سه کتاب دارد.

How many friends do you have?

I have **two** friends.

چندتا دوست داری؟

دو تا دوست دارم.

Mike has **several** cellphones.

مایک چندین تلفن همراه دارد.

استفاده از حروف تعریف a و an

اگر یک اسم قابل شمارش به صورت مفرد بیاید با توجه به صدای (نه حرف) اول آن کلمه از a یا an استفاده می‌کنیم.

در واقع اگر حرف اول آن کلمه یک حرف صدادار باشد از an استفاده می‌کنیم، در غیر این صورت از a استفاده می‌کنیم.

مثال:

She needs **a pen**.

او به یک خودکار نیاز دارد.

I have **an apple**.

من یک سیب دارم.

There is **an hour** left.

یک ساعت باقی مانده است.

Mehdi wants to buy **a book**.

مهدی می خواهد یک کتاب بخرد.

Objective pronouns

ضمایر مفعولی

مفرد		جمع	
me	به من ، مرا	us	به ما ، ما را
you	به تو ، تو را	you	به شما ، شما را
him	به او ، او را (مذکر)		
her	به او ، او را (مؤنث)	them	به آنها ، آنها را
it	به آن ، آن را		

اگر چه این ضمایر را ضمایر مفعولی می نامیم،
اما آنها به جز در جای مفعول در هر جای دیگری هم می توانند قرار بگیرند،

مثلاً بعد از فعل یا بعد از یک حرف اضافه.

Our teacher was angry with **us**.

معلممان از دست ما عصبانی بود.

Give **me** a ring tomorrow.

فردا به من زنگ بزن.

When he comes in, please tell **him** I phoned.

هر وقت آمد، لطفاً به او بگویید که من زنگ زدم.

I'm older than **you**.

من از تو بزرگترم.

I'm hungry.

Me too.

من گرسنه‌ام.

من هم همینطور.

ضمایر ملکی و صفات ملکی

ضمایر ملکی و صفات ملکی نشان می‌دهند که چه چیزی به چه کسی تعلق دارد.

	صفات ملکی	ضمیر ملکی	معنی
مفرد	mine	my	مال من
	yours	your	مال تو
	his	his	مال او (مذکر)
	hers	her	مال او (مؤنث)
	-	its	مال آن
جمع	ours	our	مال ما
	yours	your	مال شما
	theirs	their	مال آنها

جدول افعال کمکی

افعال کمکی	معنی	مشتقات	معنی
To be (am, is, are)	بودن	Was, Were	بودن
Have	داشتن	Has, Had	-
Do	انجام دادن	Does, Did	-
Could	توانستن	Can	توانستن
Shall	علامت آینده	Should	علامت آینده
Will	علامت آینده	Would	علامت آینده
May	ممکن بودن	Might	ممکن بودن
Must	باید	Had to	باید
Ought to			

زمان حال ساده Simple Present Tense

(۱) زمان حال ساده برای بیان اتفاقات به صورت عمومی استفاده می‌شود و برخلاف نامش فقط مربوط به زمان حال نیست.

(۲) زمان حال ساده برای بیان پیشامدها و عاداتی استفاده می‌شود که همواره و همه‌وقت در حال روی‌دادن هستند.

(۳) از زمان حال ساده در زبان انگلیسی برای بیان واقعیت‌ها و امور عمومی و همچنین رخدادهایی که دائما در حال تکرار است، استفاده می‌شود. در این زمان اینکه کار انجام‌شده در هنگامی که گوینده در حال انجام‌دادن باشد اهمیت ندارد.

a) Ann takes a shower every day.

b) I usually read a newspaper in the morning.

c) Babies cry. Birds fly.

(۴) این زمان یکی از پرکاربردترین زمانها در زبان انگلیسی به شمار می‌رود و برای برنامه‌های آینده که در زمان حال برنامه ریزی شده‌اند نیز استفاده می‌شود.

ساختار:

Subject+verb(s,es)+object+adverb

(۵) برای فعل‌های حالت یا فعل‌هایی که افکار و شخصیت را نشان می‌دهند.

Alex **likes** football.

He **is** a forward.

ساختار منفی:

Subject+don't/doesn't+verb+object

It **doesn't** snow in Bangkok.

ساختار سؤالی:

Do/Does+subject+verb+object?

Does the teacher **speak** slowly?

تمرین جملات فارسی:

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

(۱) او هر روز به مدرسه می‌رود.

(۲) معلم در کلاس ساعت ۲ روزهای زوج به ما کمک می‌کند.

(۳) پدرم روزهای فرد در خانه درس می‌خواند.

(۴) پدرش هر روز می‌خواهد اینجا به آنها کمک کنند.

- 1) He goes to a school every day.
 - 2) The teacher helps us in the class at 2 o'clock on odd days.
 - 3) My father studies at home on even day.
 - 4) His father wants to help them here everyday.
-

کلمات پرسشی (wh-question)

که دارای سه قانون هستند:

قانون اول: ابتدای جمله می‌آیند جمله را سوالی می‌کنند و حتما بعد از آن افعال کمکی می‌آیند:

Where/ when /how /why / what time/ how often/ how fast + do you work?

I can answer:

Can you answer?

Why can you answer?

When can you answer?

How fast can you answer?

تفاوت گرامر Never و Ever در زبان انگلیسی + مثال کاربردی

Ever برای صحبت کردن در مورد تجربیاتی که حداقل یک بار در زندگی اتفاق افتاده‌اند، استفاده می‌شود.
برای مثال:

Have you ever eaten sushi?

آیا تا به حال سوشی خورده‌ای؟

Yes, I have eaten sushi many times.

بله، من بارها سوشی خورده‌ام.

تفاوت گرامر Never و Ever در زبان انگلیسی + مثال کاربردی

Never برای صحبت کردن در مورد تجربیاتی که در زندگی اتفاق نیفتاده‌اند، استفاده می‌شود.

برای مثال:

I have never been to Paris

من تا به حال به پاریس نرفته‌ام.

I have never seen the Taj Mahal.

من تا به حال تاج محل را ندیده‌ام.

زمان حال استمراری (Present Continues)

زمان حال استمراری یکی از شکلهای زمان حال در زبان انگلیسی است.
از این زمان بیشتر برای نشان دادن فعالیت‌هایی که
دقیقا در زمان بیان در حال اتفاق افتادن است استفاده می‌شود.

ساختار:

Subject+to be+verb+ing

موارد کاربردی حال استمراری

اتفاقاتی که دقیقا همین حالا (زمان بیان جمله) در حال وقوع است.

Look! James is taking a picture of another tourist.

نگاه کن! جمیز دارد عکس یک توریست دیگر را می گیرد.

ابراز کردن برنامه های از قبل ریخته شده برای آینده نزدیک

He is meeting his friend Brad tonight.

او دوستش برد را امشب ملاقات می کند.

شکل سوالی	شکل منفی	شکل مثبت
I am working.	I am not working.	Am I working?
You are working.	You are not working.	Are you working?
He/ she/ it is working.	He/ she it is not working.	Is he /she /it working?
We are working.	We are not working.	Are we working?
They are working.	They are not working	Are they working?

تذکر مهم: be عبارت است از am, is, are که بین فاعل و فعل اصلی می آید
و ing بلافاصله بعد از فعل اصلی می آید.

تغییرات در زمان حال استمراری به وسیله am, is, are انجام می شود.

زمان گذشته ساده (Simple Past)

کاری که در گذشته انجام گرفته و تمام شده است.
ساختار: اگر به حال ساده ed یا ied اضافه کنیم گذشته ساده به دست می آید.
افعال در گذشته دو دسته اند:

(۱) افعال باقاعده (ed, ied) مانند: work ⇒ worked

زمان گذشته ساده (Simple Past)

۲) افعال بی قاعده (شکل فعل عوض می شود) مانند:

Do ⇒ Did

Am, Is ⇒ Was

Are ⇒ Were

Have ⇒ Had

Go ⇒ Went

Come ⇒ Came

See ⇒ Saw

تمرین جملات فارسی:

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

- (۱) آنها به ما در کلاس ساعت ۲ دیروز کمک کردند.
 - (۲) ما شما را ساعت ۵ هفته گذشته در پارک دیدیم.
 - (۳) ما چند روز پیش می‌خواستیم مدرسه برویم.
 - (۴) ما دوست داشتیم در کلاس در سال ۱۳۶۷ مودب باشیم.
 - (۵) ما دیروز خسته بودیم.
 - (۶) پسر پارسال تنبل بود.
-

- 1) They helped us in the class at 2 o'clock yesterday.
- 2) We saw you in the park at 5 o'clock last week.
- 3) We wanted to go to a school the other day.
- 4) We liked to be polite in the class in 1367.
- 5) We were tired yesterday.
- 6) The boy was lazy last year.

مرور:

(۱) من هر روز این جا کار می کنم.

I work here every day. حال ساده

I am working here now. حال استمراری

I worked here yesterday. گذشته ساده

I was working here yesterday. گذشته استمراری

(۲) پدرم فردا ماشین می خرد.

My father will buy a car tomorrow.

(۳) سال آینده قبول می شوم.

I will pass in the next year.

زمان آینده ساده (Simple Future Tense)

بیانگر کاری است که در زمان آینده انجام خواهد شد.

ساختار:

ادامه جمله+ فعل اصلی+ will/ shall+ فاعل

برای اول شخص مفرد و اول شخص جمع بیشتر به جای will می‌توانیم از shall هم استفاده کنیم.

زمان آینده ساده (Simple Future Tense)

نشانه های زمان آینده ساده:

الف) وجود فعل کمکی will و shall بین فاعل و فعل اصلی
ب) وجود قیود زمان مثل فردا (tomorrow)

زمان آینده استمراری Future Continuous Tense

برای ساختن این زمان در انگلیسی کافی است که به جملات حال استمراری shall و یا will اضافه کنیم بنابراین فرمول زیر را خواهیم داشت.

Subject + shall/will + be + Verb+ing

I shall be working.

I will be working.

He/ she/ it will be working.

You will be working.

We shall be working.

We will be working.

They will be working.

تمرین جملات فارسی:

جملات زیر را به انگلیسی ترجمه کنید.

(۱) من اطمینان داشتم که آن کتاب متعلق به شما نیست.

(۲) من باید هرچه که او گفت انجام می دادم.

(۳) او گفت که نمی تونه در این موقع کمکم کنه.

(۴) من نمیدونستم که تو میخواهی مرا اذیت کنی.

(۵) او فکر کرد که شما ممکن است اینجا نیایید.

-
- 1) I had to be sure that that book didn't belong to you.
 - 2) I had to do everything that he told me.
 - 3) He said that he couldn't help me in this time.
 - 4) I didn't know that you wanted to bother me.
 - 5) He thought that you might not come here.
-

It و There

کلمات **it** و **there** در زبان انگلیسی جزء کلمات بسیار پرکاربرد هستند. گاهی اوقات به دلیل تفاوت‌هایی که میان زبان‌های فارسی و انگلیسی وجود دارد بکار بردن صحیح این دو مشکل می‌شود. در این مطلب قصد داریم به کاربرد این دو کلمه بپردازیم.

در زبان انگلیسی به جزء جملات امری (imperative sentences)، جملات همیشه فاعل دارند به طور کلی اگر جمله فاعل نداشته باشد و امری هم نباشد از این کلمات استفاده می‌کنیم.

It و There

کاربرد there

There که به آن dummy subject (فاعل پوچ) گفته می شود اغلب با افعال to be بکار می رود که با هم به معنی وجود داشتن، هستن و یا بودن هستند (گاهی اوقات هم معنی there و فعل to be در درون خود جمله است).

برای مثال اگر بخواهیم معادل انگلیسی جمله "کتابی روی میز است" را بگوییم باید از جمله زیر استفاده کنیم:

There is a book on the table.

ولی اگر بخواهیم این جمله فارسی را کلمه به کلمه به انگلیسی ترجمه کنیم، به صورت زیر می شود (که خیلی طبیعی نیست):

A book is on the table.

زمان حال کامل Present Perfect

زمان حال کامل در زبان انگلیسی، برای اشاره به عملی استفاده می‌شود که در گذشته نامشخصی شروع شده و اکنون پایان یافته، ولی همچنان آثار آن تا زمان حال باقی مانده است.

حال کامل معادل «زمان ماضی نقلی»، در زبان فارسی است.

ساختار زمان حال کامل در انگلیسی به شکل زیر است:

شکل سوم افعال **have / has + pp**

زمان حال کامل Present Perfect

مثال برای زمان حال کامل:

I have done all my homework. Now I can go to sleep.

من همه تکالیفم را انجام داده‌ام. اکنون می‌توانم بخوابم.

زمان حال کامل استمراری Present Perfect continuous

ساختار حال کامل استمراری در انگلیسی، ترکیبی از زمان حال کامل و زمان حال استمراری است و هنگامی به کار می‌رود که می‌خواهیم راجع به عملی که انجام آن در گذشته آغاز شده و همچنان تا الان، بدون قطع شدن ادامه دارد و ممکن است در آینده هم ادامه داشته باشد، صحبت کنیم.

به گرامر حال کامل استمراری در انگلیسی (گرامر have been ing) توجه نمایید:

زمان حال کامل استمراری Present Perfect continuous

فرمول حال کامل استمراری:

ing مصدر بدون ... + to + been + has / Have

مثال برای زمان حال کامل استمراری در انگلیسی:

I have been living in Shiraz for 10 years.

من به مدت ۱۰ سال است که در شیراز زندگی می‌کنم.

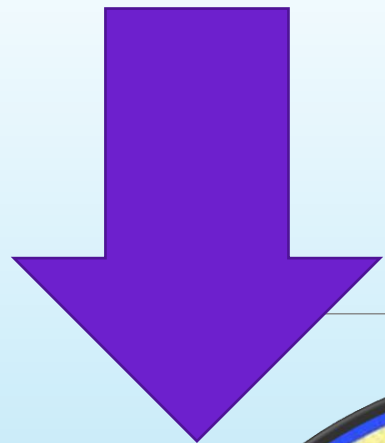
سخن آخر

در طول مطالعه زبان، زمان بندی کردن رو الویت قرار بده.
لازم به ذکره که بدونی،

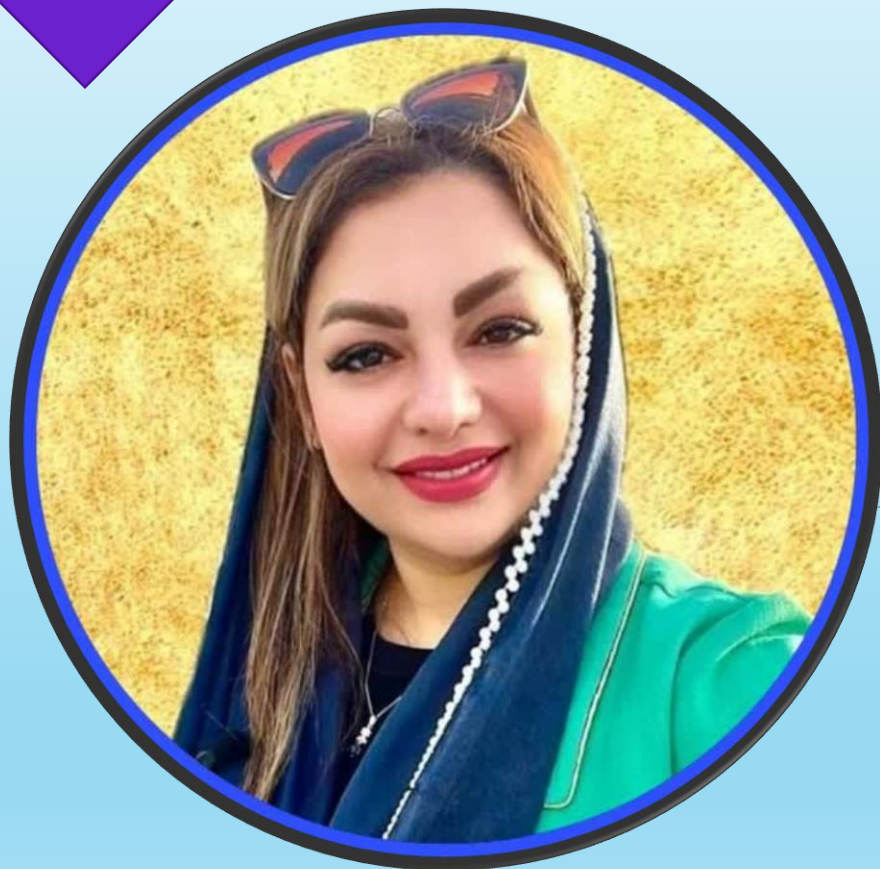
بهتره یک زمان بندی واقع گرایانه داشته باشی چون اگر عجول باشی
از هدفت دور و دور تر می شی.
این پروسه ی یادگیری و گذروندن هر مرحله اش نیاز به زمان داره.



موفق باشی دوست من
مدرس و همراه تو در مسیر یادگیری زبان
حمیده سلطانی



www.hamidehsoltani.ir



[@hamidehsoltani.ir](https://www.instagram.com/hamidehsoltani.ir)



[@hamidehsoltani_ir](https://www.telegram.com/@hamidehsoltani_ir)



[0098-9330982583](https://wa.me/0098-9330982583)

